

ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن

vahid.oghi@gmail.com

کلیه وحید وثوقی‌راد/ دانشجوی دکتری مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی رضائیان/ استاد دانشگاه شهید بهشتی

pazhoo.mod93hotmail.com

ولی‌الله نقی‌پورفر/ دانشیار دانشگاه قم

mtnorozzi@yahoo.com

محمدتقی نوروزی فرانی/ استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۳ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۶

چکیده

«نهادینه‌سازی» یعنی تعمیق و تثبیت باورها، ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب و مقبول کارگزاران اصلی اداره جامعه، در سطوح متفاوت مدیریتی کلان (مدیریت دولتی) و خرد (سازمان‌ها و نهادها). برای تحقق و اجرایی کردن، «نهادینه‌سازی» الگوهای متفاوتی مطرح شده است که غالباً برگرفته از مبانی و پیش‌فرض‌های غربی است. با توجه به تأثیر مبانی و پیش‌فرض‌ها در نظریه‌ها و الگوها، یکی از وظایف اصلی پژوهشگران فعال در حوزه علوم انسانی - اسلامی، طراحی الگوهای متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است. اولین و مهم‌ترین گام قبل از طراحی الگو شناسایی مفهوم و ماهیت یک گزاره است، تا ابتدا چستی و تعریف مفهوم منظور مشخص شود، سپس به چگونگی آن پرداخته شود. از این‌رو، هدف اصلی این تحقیق بررسی «ماهیت و مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن» با تکیه بر مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است. در این تحقیق از روش «تدبر در قرآن» (نقلی و حیانی) استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که «نهادینه‌سازی از منظر قرآن فرایندی است پیوستار گونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان، و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند».

کلیدواژه‌ها: مفهوم، نهادینه‌سازی، قرآن.

مقدمه

در مواجهه با علوم انسانی رایج، سه دیدگاه مشاهده می‌شود: گروهی این علوم را سراسر کفر و بی‌حاصل می‌دانند (دیدگاه انقلابی)؛ برخی معتقد به تعامل با تمدن و فرهنگ و تفکر علوم انسانی غرب هستند (دیدگاه اصلاحی و ترمیمی)؛ و بعضی هم به مهندسی نوین علوم انسانی می‌اندیشند.

رویکرد دوم، که نگاه رایج این سال‌ها بوده است، امتیازها و ایرادهایی را در علوم انسانی غرب می‌بیند و تلاش می‌کند با تغییرات رونمایی، از مزایای آنها استفاده کند و از آسیب‌های آنها به دور باشد. این رویکرد عملاً به نوعی التقاط فکری منجر شده است.

اما در رویکرد سوم، نقش علوم انسانی رایج بیشتر در موضوع‌سازی و ایجاد مسئله جدید و شناخت وضعیت موجود است. در این دیدگاه، در کنار نقادی علوم انسانی رایج، مبانی و پایه‌ها بر اساس منابع اسلامی پی‌ریزی می‌شوند و با منابع دینی و مبانی اسلامی، قواعد جدید علوم انسانی استنتاج می‌شوند؛ سپس بر اساس آنها نظریه‌پردازی شده، و سرانجام نظام‌سازی می‌شوند (کعبی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

در این پژوهش، سعی بر آن است که از رویکرد سوم استفاده شود؛ چنانکه این رویکرد مورد تأیید و استفاده اندیشمندان بزرگ اسلامی بوده است.

علامه جوادی آملی در بیان علت اصلی ویژگی و درخشش تفسیر *المیزان* بیان می‌دارد:

علامه طباطبائی از مسائلی که در عالم اتفاق می‌افتاد در خدمت قرآن بهره برد. علامه حادثه‌های تاریخی را ورق زد؛ مشروطه را تشریح و خواسته‌های مشروطه را شناسایی کرد؛ جنگ جهانی اول و دوم را شناسایی کرد و پس از فیش‌برداری از سؤال‌های آن، وارد تفسیر شد. آن سؤال‌ها را به خدمت قرآن عرضه کرد و پاسخ گرفت که *المیزان* شد (جوادی آملی، ۱۳۹۵).

با توجه به اینکه نهادهای نهادهای یک «برساخته پیچیده» مشتمل بر مبانی، فرایند، نتایج، و پیش‌فرض‌هاست و یک مفهوم یا واژه بسیط نیست که با واژگان قرآنی مقایسه شود، برای اجرایی کردن رویکرد سوم، دو گام اساسی قبل از طراحی الگو ضروری است: در گام نخست، باید ماهیت و مفهوم «نهادهای نهادهای» در ادبیات رایج به خوبی روشن شود تا بتوان با تصویری واقعی، آن را به منابع اسلامی عرضه نمود. از این‌رو، در این نوشتار برای مشخص کردن چپستی مسئله و مفهوم «نهادهای نهادهای»، سابقه تاریخی و ریشه‌های اصلی آن در ادبیات رایج بررسی شده است.

گام بعدی شناسایی و مشخص ساختن مفاهیم مترادف و یا نزدیک به این مفهوم در قرآن کریم است که به مراتب مشکل‌تر از گام قبلی است؛ زیرا مقایسه این برساخته (نهادهای نهادهای) با واژگان قرآنی بدون داشتن پشتوانه و مطالعه عمیق کاری سخت و گاهی غیر ممکن به نظر می‌رسد. برای رسیدن به این هدف، در انتخاب روش و گام‌های مفهوم‌یابی در قرآن، دقت بالایی صورت گرفت که به صورت خلاصه در روش به آن اشاره می‌شود.

ماهیت و مفهوم نهاده‌سازی در ادبیات رایج

از واژه‌های «نهاد» و «نهاده‌سازی» با توجه به دیدگاه‌های متفاوت، تعاریف متعددی ارائه شده و این به سبب وجود دیدگاه‌های متفاوت نسبت به دوره نهادی است. از این رو، باید به این نکته توجه داشته باشیم که در بررسی نهاده‌سازی، توجه به الگوهای متفاوت و در نظر گرفتن آنها امری ضروری است. با مراجعه به ادبیات مرتبط با این موضوع، بین گروه‌ها و تاریخ وجوه مشابهی وجود دارد، ولی در خصوص جزئیات، اختلاف‌های زیادی را مشاهده می‌کنیم.

نظریه «نهادی در سازمان» با پشت سر گذاشتن دوره رشد سریع در راه ابداع و خلاقیت، وارد مرحله توسعه آگاهانه شده و تلاش‌های زیادی با هدف خودارزیابی و محکم کردن جایگاه این نظریه انجام شده است. نظریه‌پردازان مشهوری مانند دی‌مجبو (۱۹۸۸) و زاکر (۱۹۸۷) فعالیت‌ها و تلاش‌های خود را در جهت گسترش انواع و گستره بحث‌های نهادی سوق داده‌اند. آنها می‌گویند مجموعه‌ای از داده‌ها و آزمون‌های جدید را بررسی کنند.

ریچارد اسکات در مقاله خود با عنوان «دوره رشد کامل نظریه نهادی» (The Adolescence of Institutional Theory) با توجه به مطالعات این نظریه‌پردازان، نظریه «نهادی» را بررسی و تجزیه و تحلیل کرده و با همین هدف، تحقیقات تجربی در این زمینه را درباره انواع بحث‌هایی که به‌تازگی درباره رابطه عوامل نهادی با ساختار سازمانی و عملکرد انجام شده بررسی کرده است (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۳ و ۲۰۰۹، ص ۲۱۵). اسکات در مقاله خود بیان می‌دارد: ما ادعا نمی‌کنیم آنچه می‌گوییم جامع و مانع است، ولی می‌توانیم ادعا کنیم که تلاش ما راهی است برای ارائه الگوهای گوناگون به اندیشمندان این رشته علمی. ایشان به‌صورت گذرا، چهار الگوی جامعه‌شناسی ارائه می‌دهد که ارائه‌کننده‌های این الگوها هر کدام مدعی هستند که همواره نهاد را در کانون توجه قرار داده‌اند (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۳).

الگوی نهاده‌سازی فرایندی برای تلفیق ارزش‌ها علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکی از نخستین و مؤثرترین الگوهای نظریه «نهادی» در سازمان‌ها مربوط است به اثر مشهور فیلیپ سلزینک (Philip Selznick) و دانشجویان وی که در این الگو، از آثار می‌کلز (Michels) و بارنارد (Barnard) استفاده شده است. ایشان ساختار سازمان را به‌عنوان یک محمل سازگارپذیر موضوع توجه قرار داده‌اند که این محمل در واکنش به ویژگی‌ها، خصوصیت‌ها و تعهدات نیروهای شرکت‌کننده در سازمان و همچنین با توجه به عوامل اثرگذار و محدودکننده موجود در محیط خارجی، شکل می‌گیرد. منظور از «نهاده‌سازی» چیزی جز یک فرایند سازگاری با محیط نیست. به عبارت مهم‌تر، نهاده‌سازی یعنی: «تلفیق ارزش‌ها در سطحی بالاتر از الزامات یا شرایط و نوع کاری که در حال انجام شدن است» (سلزینک، ۱۹۵۷، ص ۱۷).

سلزینک دو نوع سازمان را از همدیگر متمایز کرد: سازمانی که بیشتر به‌صورت ابزار فنی، نوعی وسیله یا ابزار یک‌بارمصرف است و در مقابل سازمانی که نهاده‌سازی می‌شود، دارای ارزش می‌گردد و به شکل یک جامعه طبیعی درمی‌آید که هدف نهایی آن بقای زندگی و ادامه حیات است (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۴).

به عقیده سلزینک، سازمان‌ها ابزارهای فنی هستند و به‌گونه‌ای طرح‌ریزی می‌شوند که برای تأمین هدف به‌عنوان وسیله از آنها استفاده می‌شود. آنها بر مبنای مفروضات مهندسی ارزیابی و قضاوت می‌شوند و قابل مصرف هستند. در مقابل، نهاد اگرچه به‌عنوان یک گروه یا نوعی فعالیت در نظر گرفته شود، می‌تواند تا حدی دارای ویژگی‌های مهندسی باشد؛ اما درنهایت، دارای تبلوری طبیعی است و محصول رابطه‌ی متقابل با محیط خود است. به‌عبارت‌دیگر، نمایی از آرمان‌گرایی گروه است که به‌راحتی نمی‌توان آن را به مصرف رساند (سلزینک، ۱۹۵۷، ص ۲۱-۲۲).

در الگوی سلزینک، بر اهمیت تاریخ تأکید می‌شود؛ یعنی «تاریخ طبیعی» سیر تکامل یک موجود زنده است که باگذشت زمان، همواره خود را با شرایط در حال تغییر وفق می‌دهد او بر یک دیدگاه کل‌نگر و محتوایی تأکید می‌کند. طبق اظهار نظر پرو (پرو، ۱۹۸۶ ص ۱۵۷-۱۵۸)، برای تجزیه و تحلیل نهاد، باید کل سازمان را تجزیه و تحلیل کرد. با در نظر گرفتن ویژگی «انداموار» سازمان، اگر بخواهیم عدالت رعایت شود باید به سازمان در قالب یک کل توجه کنیم. روشن است که فرایندهای خاص به‌صورت تفصیلی تجزیه و تحلیل می‌شوند؛ ولی زمانی این مجموعه فرایندها دارای معنا می‌شوند که همگی یکجا و به‌صورت کامل مطرح‌نظر قرار گیرند.

سلزینک با پذیرفتن ریسک مربوط به ساده کردن موضوع (به‌جای ارائه‌ی یک دیدگاه پیچیده) از این دیدگاه بر «نهادینه‌سازی» تأکید می‌کند؛ زیرا نهادینه‌سازی راهی است برای تلفیق ارزش‌ها، ارائه‌ی ارزش‌های ذاتی یا درونی به یک ساختار یا فرایند (ساختار یا فرایندی که پیش از نهادینه شدن تنها به‌صورت یک ابزار یا وسیله است). با تلفیق ارزش‌ها، فرایند «نهادینه‌سازی» تقویت و تثبیت می‌شود؛ یعنی با گذشت زمان ساختار خود را تقویت می‌نماید و تداوم پیدا می‌کند (اسکات، ۱۹۸۷ ص ۴۹۴).

سلزینک به‌صورتی کاملاً صریح و آشکار، نهادینه‌سازی را یک فرایند می‌داند؛ چیزی که در طول زمان، برای سازمان رخ می‌دهد (سلزینک، ۱۹۵۷، ص ۱۶). او مشاهده کرد که در سازمان‌های گوناگون، دامنه یا گستره نهادینه‌سازی متفاوت است. (برای مثال، سازمان‌هایی که دارای هدف‌های خاص بودند و از نظر عملیات، به‌صورت فنی و تخصصی عمل می‌کردند، در مقایسه با آنهایی که دارای چنین ویژگی‌هایی نبودند، کمتر «نهادینه» می‌شدند.) او در نخستین اثر خود، اثری که بیشتر حالت توصیفی در تشخیص داشت، بر ماهیت ساختارهای تحمیلی بر سازمان‌ها به‌صورت کاملاً برنامه‌ریزی نشده و بدون مقصود بر فرایند نهادینه‌سازی تأکید کرد. (سلزینک، ۱۹۵۷) برعکس، در آخرین اثر خود، که بیشتر حالت هنجاری داشت و از بارنارد (بارنارد، ۱۹۳۸) پی‌روی می‌کرد، به مفهوم «تصویب یا تقویم» توجه کرد و بر دیدگاه‌های اثربخشی توجه کرد که توانسته بودند ارزش‌هایی مانند «رسالت» یا «مأموریت» سازمان را، که باید نهادینه شوند، تعریف و از آنها دفاع کرد. (سلزینک، ۱۹۵۷). فرایند نهادینه‌سازی از این دیدگاه مورد توجه قرار گرفت که پیوسته دست‌خوش طرح‌ریزی آگاهانه و مداخله‌گری‌های مستمر می‌شد.

می‌توان نتیجه گرفت: دیدگاهی را که سلزینک ارائه کرد بیشتر جنبه‌ی تعریف و توصیف دارد. او ورود این فرایند را تعریف و تشریح کرد، ولی نتوانست به‌صورتی آشکار، علت وجودی آن را بیان کند. شیوه‌ای که او درباره‌ی نهادینه‌سازی بدان توجه کرد به‌گونه‌ای است که ما را از ارزش‌هایی آگاه می‌سازد که با هم تلفیق شده‌اند و درباره‌ی شیوه‌ای که این رویدادها رخ می‌دهند چیزی نمی‌گوید (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۵).

الگوی نهادینه‌سازی فرایندی برای خلق واقعیت

دومین و سومین الگوی نظری بیشتر مدیون آثار پیتر برگر (Peter Berge) است. تخصص برگر در زمینه جامعه‌شناسی بود. این کار بیشتر بر پایه اصول فلسفی قرار دارد که پدیده‌شناسان و آرمان‌گرایان آلمانی مانند دیتنی و هاسرل (Dilthey and Husserl) ارائه کردند و بر دیدگاه‌های آلفرد شوتر (Alfred Schutz) مبتنی است. کامل‌ترین و اثرگذارترین دیدگاه برگر در خصوص نهادینه‌سازی را باید در اثری مشاهده نمود که با نویسنده دیگری به نام لاکمن (Luckman) منتشر کرد و پرسش اصلی در این اثر چنین است: ماهیت و منشأ نظم اجتماعی چیست؟ (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۵).

بحث اصلی این است که نظم اجتماعی بر پایه یک واقعیت مشترک اجتماعی قرار دارد و آن هم به نوبه خود، چیزی جز ساخته دست بشر نیست که در سایه روابط متقابل اجتماعی به وجود می‌آید. در این دیدگاه، به این واقعیت توجه می‌شود که مرد یا زن، به‌عنوان یک موجود زنده در الگوی فطری با محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده بسیار کمی روبه‌رو می‌شوند؛ ولی همین محدودیت‌ها یا عوامل محدودکننده در قالب نظم اجتماعی به وجود می‌آید. برگر و لاکمن چنین استدلال کردند که این نظم دستاورد مستمر انسان است که در جریان مستمر برون‌گرایی یا تماس مستمر با خارج به دست می‌آید (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱، ص ۶۹-۷۰). به عبارت دیگر، نظم اجتماعی در صورت نتیجه فعالیت انسان به دست می‌آید. این نظم زمانی به وجود می‌آید که افراد دست به اقدام بزنند، این اقدام را تفسیر کنند و تفسیر خود را از رویدادها با دیگران در میان بگذارند. این تفسیرها یا بیان خاص دیدگاه‌ها، تلاشی است که افراد در راه طبقه‌بندی رفتار و قرار دادن آنها در گروه‌هایی انجام می‌دهند؛ گروه‌هایی که موجب می‌شوند از عمل متقابل، به روشی مشابه واکنش نشان دهند. «نهادینه‌سازی» یعنی تکرار این عمل‌ها در طول زمان، و دادن معانی یکسان به وسیله فرد انجام دهنده و یا افراد دیگر. نهادینه‌سازی زمانی مطرح می‌شود که انواع ایفاگران نقش و مجریان عمل، عملیاتی مشابه، همانند و متقابل انجام می‌دهند. برگر و لاکمن همانند سلزینک بر ضرورت به‌کارگیری دیدگاه تاریخی تأکید کردند:

تفسیرهای متقابل در خصوص عمل، در یک دوره تاریخی مشترک به وجود می‌آید. این تفسیرها نمی‌توانند به‌صورت آبی به وجود آیند. هر نهادی دارای یک تاریخ است که خود محصول آن تاریخ است. بدون درک فرایند تاریخی، که نهاد به وجود آورده است، نمی‌توان آن را درک کرد (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱، ص ۷۱).

همان‌گونه که برگر و لاکمن توضیح دادند، نهادینه‌سازی مستلزم گذر از سه مرحله یا سه مقطع زمانی است: «برون‌گرایی» (externalization)، «عینیت‌گرایی» (objectivation) و «درون‌گرایی» (internalization). ما و همکاران دست به عمل می‌زنیم (برون‌گرایی)، ولی هر دوی ما این عملیات را به‌عنوان یک واقعیت خارجی و جدا از خود تفسیر می‌کنیم (عینیت‌گرایی). گذشته از این، ما این دنیای عینی را تبدیل به درون‌گرایی می‌نماییم؛ یعنی درصدد برمی‌آییم ساختار ذهنی از نوع آگاهی را مشخص سازیم (نهادینه شدن) (ودنو، ۱۹۸۴، ص ۳۹).

هر لحظه به یک ویژگی خاص از دنیای اجتماعی مربوط می‌شود. جامعه محصول یا دستاورد انسان است. جامعه یک واقعیت عینی است. انسان یک محصول اجتماعی است. دیدگاه آنها در مجموع، یک معنا را به وجود می‌آورد: انسان می‌تواند دنیایی را به وجود آورد و سپس او می‌تواند آن را به‌عنوان چیزی غیر از دستاورد یا محصول انسان، تجربه کند (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱، ص ۸۶).

این دیدگاه بسیار عمومی منشأ آثار دانشمندانی مانند زاکر، مایر و روئان قرار گرفت. آنان این دیدگاه را برای تجزیه و تحلیل شکل‌های سازمانی ارائه کردند. فرمول‌هایی که برگر و لاکمن ارائه دادند، تعریف‌های قابل‌مشاهده‌ای بودند که این نظریه‌پردازان به‌عنوان مبنای آثار خود از آنها استفاده کردند. به همین دلیل، زاکر بیان کرد که نهادینه‌سازی از یک‌سو، یک فرایند و از سوی دیگر، یک متغیر شخصی است (اسکات، ۱۹۸۷ ص ۴۹۶). از دیدگاه ایشان، نهادینه‌سازی فرایندی است که از یک سو، افراد را (در حال عمل به چیزی که از دیدگاه اجتماعی به‌عنوان یک واقعیت تعریف شده است) متحول می‌سازد، و از سوی دیگر، در هر نقطه از این مرحله، معنای این عمل به‌گونه‌ای تعریف می‌شود که بخشی از واقعیت اجتماعی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، باید اقداماتی را که در فرایند نهادینه‌سازی انجام می‌شود به‌عنوان اقدامات «عینی» و «برون‌گرا یا دارای منبع خارجی» به تصویر درآورد (زاکر، ۱۹۷۷، ص ۷۲۸).

مایر (Meyer) و روئان (Rowan) در مقاله مشهور خود، با عنوان «سازمان‌های نهادینه‌شده: ساختار رسمی به عنوان آداب و رسوم» درباره سازمان‌های نهادینه‌شده از دیدگاه برگر و لاکمن حمایت کردند و آن را تأیید نمودند. مقررات نهادینه‌شده عبارتند از: طبقه‌بندی‌های تعبیه‌شده در جامعه، ناشی از تغییرهای حاصل از روابط متقابل (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱، ص ۷۱) نهادینه‌سازی مستلزم فرایندهایی است که در آن فرایندهای اجتماعی در قالب تعهدات یا آنچه در واقع انجام می‌شود، به صورت عمل و اندیشه اجتماعی و مبتنی بر بستر نظام صورت می‌گیرد (مایر و روئان، ۱۹۷۷، ص ۳۴۱). به نظر می‌رسد ویژگی مشترک همه تعریف‌ها این است: نهادینه‌سازی به‌عنوان یک «فرایندی اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد که در آن افراد یک تعریف مشترک از واقعیت اجتماعی را می‌پذیرند؛ مفهومی که اعتبار آن مستقل از دیدگاه‌ها و عملیات شخصی فرد است». ولی فرض بر این است که می‌توان «امور را بدان‌گونه که هستند» و یا «امور را بدان‌گونه که باید انجام شوند» تعریف کرد (اسکات، ۱۹۸۷ ص ۴۹۶).

این تعریف‌ها جنبه کلی‌گویی دارد و به ساختار واقعیت اجتماعی مربوط می‌شود و از این‌رو، چنین فرض می‌شود که نظم اجتماعی دارای نوعی ثبات است. این تعریف‌ها نمی‌تواند به پیدایش یک سازمان رسمی خاص بینجامد؛ ولی برگر و همکارانش در اثر بعدی خود، کوشیدند وجوه متمایز و مشخص مجموعه‌ای از باورهای اجتماعی مربوط به پیدایش «نوعین‌گرایی اجتماعی» را مشخص نمایند، در اثری که چندان مورد استقبال قرار نگرفت (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۶).

زاکر نیز همین صدا را منعکس کرد و بر این دیدگاه تأکید نمود که سازمان دارای شکل نهادینه‌شده است. بنابراین، او بر «شکل نهادینه‌شده سازمان» تأکید زیادی کرد (زاکر، ۱۹۸۳، ص ۱). با توجه به آثار زاکر، تأکید بر نهادینه‌سازی به‌عنوان یک فرایند همچنان مطرح است. در روش ایشان، یک الگوی منحصر به فرد یا رفتار شخصی یا سازمان مطمح‌نظر قرار می‌گرفت و نوع روحیه افراد مورد تأیید بود.

سیستم‌های نهادی به‌عنوان یک طبقه از عناصر

در دیدگاه سوم از نظریه نهادی بر این موضوع تأکید می‌شود که سیستم‌های اعتقادات نهادینه‌شده، به‌صورت طبقه متمایزی از عناصر درمی‌آیند که می‌توان بر اساس آنها ساختار سازمانی را توضیح داد. گذشته این بحث به دیدگاه

مایر و روئان (۱۹۷۷) برمی‌گردد. از منظر آنها، نه تنها می‌توان شکل سازمانی را به پیچیدگی‌های «شبکه‌های بخردان» و فرایندهای مبادله منتسب کرد، بلکه می‌توان آنها را به دیدگاه «افسانه‌های بخردان» یا سیستم‌های اعتقادی مشترک هم مرتبط دانست. در این دیدگاه، به‌جای تأکید بر ویژگی‌های سیستم اعتقادات عمومی بر گونه‌ای از منابع یا مجموعه‌ای از احکام یا دستورات بی‌طرفانه و منطقی تأکید می‌شود که می‌توان به‌وسیله آنها هدف‌های گوناگون اجتماعی را شناسایی کرد و برای تأمین آنها از روش‌های مناسبی که مشروعیت می‌یابد، استفاده نمود (مایر و روئان، ۱۹۷۷، ص ۳۴۳). در این دیدگاه، منابعی را نهادینه می‌نامند که وجود و اثربخشی آنها در معیار و شاخصی قرار دارد که ویرای اختیارات سازمان یا فرد مشارکت‌کننده قرار می‌گیرند.

در این فرمول جدید، بر نقشی تأکید می‌شود که ارکان فرهنگی (نمادها، سیستم‌های شناختی، باورها و اعتقادات هنجاری) و منبع یا منشأ این عناصر را تشکیل می‌دهد. عناصر یا ارکان نهادینه‌شده عوامل محیطی بر اساس عوامل فنی تعریف می‌شوند. با گذشت زمان، این تعریف روشن‌تر می‌گردد و مفاهیم اعلام می‌شود. بر همین مبنا، اسکات و مایر «محیط فنی» را این‌گونه تعریف کردند: «آنچه در درون آن کالا یا خدمتی در بازار تولید می‌شود و دادوستد می‌شود، به‌گونه‌ای که سازمان‌ها به سبب اعمال کنترل اثربخش و کارایی در فرایند انجام کارها به انجام صحیح آنها پاداش می‌دهند» (مایر و اسکات، ۱۹۸۳، ص ۱۴۰). در این دیدگاه، سازمان‌ها مجموعه‌ای از اعتقادات یا باورهای نهادینه‌شده را می‌پذیرند، البته نه بدان سبب که آنها به‌صورت «واقعیت» و یا یک فرض مسلم درآمده‌اند، بلکه بدان سبب که سازمان با چنین اقدامی به پاداش نیکو دست می‌یابد (از طریق افزایش مشروعیت، منابع و افزایش توان بقا و ادامه حیات) (مایر و روئان، ۱۹۷۷).

در این دیدگاه، مفهوم «نهادینه‌سازی» با یک فرایند مشخص و یا متمایز مرتبط نمی‌شود. بدین‌روی، تحلیلگران درصد برآمدند در خصوص انواع فرایندهایی که موجب می‌شود سازمان ساختار خود را به شیوه‌ای تغییر دهد که با یک الگوی نهادینه‌شده سازگار گردد، دیدگاه‌های جدیدی ارائه دهند. بهترین تحلیل و طبقه‌بندی به وسیله دی‌ماچیو (DiMaggi) و پاول (Powel) ارائه شد. آنان توانستند بین فرایندهای الزامی یا هنجاری و اختیاری، که منجر به سازگاری می‌شود، فرق قایل شوند. ولی هیچ‌یک از این طبقه‌ها با تعریف پیشین در خصوص «نهادینه‌سازی» مبتنی بر فرایند سازگار نیست؛ یعنی هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها، بر فرایند سازش‌کاری تأکید نمی‌کنند (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۸).

در این دیدگاه، اگرچه به فرایند توجه کمتری کرده‌اند، ولی به ماهیت سیستم‌های اعتقادی توجه بیشتری نموده‌اند. مایر و روئان در دیدگاهی که به‌صورت رسمی اعلام کردند، درباره اثرات عمومی ساختار معقول و نهادینه‌شده نظریه‌هایی ارائه دادند و از این زاویه به موضوع نگاه کردند که گویا فقط همین ساختار وجود دارد. ولی با توجه به تصور یا دیدگاهی که درباره «افسانه‌های معقول و بخردان» داشتند، در این راه از نمونه‌های متعدد و گوناگونی استفاده کردند (عقیده مردم، سیستم‌های آموزشی، قوانین، دادگاه‌ها، رشته‌های تخصصی، ایدئولوژی‌ها، ساختارهای قانون‌گذاری، پاداش‌ها و جوایز، سازمان‌های صادرکننده گواهی‌نامه، جواز اعطای رتبه‌های اعتباری

مقررات، الزامات و تأییدیه‌های نهادهای دولتی). آنها به تعدد و گوناگونی سیستم‌های ارتباطی و منابع نهادی (نهادینه‌شده) موجود در جوامع نوین توجه کردند. پس از ظاهر شدن چنین نگرش و دیدگاهی، پژوهشگران به‌جای توجه به یک عامل در محیط، به چندین عامل مؤثر در «نهادینه‌سازی» توجه کردند. (می‌یر و اسکات، ۱۹۸۳).

نکته قابل توجه دیگر در این دیدگاه، آن است که در این دیدگاه، به این واقعیت توجه می‌شود که در جوامع نوین و دارای کارایی بالا، شکل و منبع باورهای اجتماعی و سایر سیستم‌های نمادین نیز - به خودی خود - کارا شده‌اند. در این دیدگاه، عرف و سنت به قوانین و مقررات ختم می‌شوند. حکومت‌های ملی، حرفه‌ای‌ها و سیستم‌های کارا جایگزین شوراهای سال‌خوردگان و سایر نهادهای سنتی می‌شوند. بدین‌سان در چنین الگویی از نظریه نهادی، به نقش سایر بازیگران مانند جوامع حرفه‌ای و حکومتی (که به زندگی سازمانی شکل می‌دهند) توجه می‌شود. در این دیدگاه، با تأکید به جنبه‌های نمادین عوامل محیطی و سایر منابع، نظریه نهادی توانسته است در سایه احیای فرهنگ، دوباره مطرح شود و در این زمینه نقش مهمی بر عهده گیرد (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۹).

نهاد به‌عنوان یک حوزه متمایز اجتماعی

چهارمین دیدگاه درباره نهاد، شامل دیدگاهی می‌شود که قبلاً به آن اشاره شد؛ یعنی ناهمگونی سیستم‌های اجتماعی و رابطه آنها با دیدگاه سنتی مبتنی بر نهاد اجتماعی که در جامعه‌شناسی عمومی قابل مشاهده است. از دیدگاه عرف و سنت، تعریف آن چنین است: مقصود از نهاد اجتماعی یک سیستم نسبتاً بادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل سازمان‌یافته در جامعه است که در زمینه‌های گوناگون در درون سیستم اجتماعی (مذهب، کار، خانواده و سیاست) انجام می‌شود. در بیشتر این تعریف‌های سنتی، نهاد اجتماعی از این زاویه مطرح نظر قرار می‌گیرد که از یک‌سو، سیستم‌های نمادین (هنجاری و شناختی)، و از سوی دیگر، سیستم‌های رفتاری هستند و بر مسئله «تداوم و ثبات» به‌عنوان یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده تأکید می‌شود (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۴۹۹). برای مثال، هیوز (Hughes) در بحث بسیار مشهور و اثرگذار خود، اینچنین می‌گوید:

معمولاً واژه «نهاد» در خصوص ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی به‌کاربرده می‌شود که دوام آن بیش از نسل‌های بیولوژیک است و یا می‌توان در برابر تغییرات اجتماعی (که انتظار می‌رود به هستی آنها پایان دهد) مقاومت کند و به حیات خود ادامه دهد... انسان‌ها دوست دارند مسیر برایشان مشخص شود. تردیدی نیست که سایر حیوانات هم تمایل مشابهی دارند؛ ولی تنها انسان است که تعداد زیادی از شیوه‌های رفتاری را به نسل‌های بعد منتقل می‌کند؛ و فقط انسان است که برای این نوع رفتار خود دلیل‌هایی ارائه می‌دهد و به آنها ارجح می‌نهد و برای قدمت آنها ارزش قایل می‌شود (هیوز، ۱۹۳۹، ص ۱۸۳-۲۸۴).

بحث هرتزگر (Hertzler) درباره نهادهای اجتماعی نیز اثرهای مهمی بر جای گذاشت. او هنگام بیان این مطلب، بر مضمون و درون‌مایه این دیدگاه تأکید کرد که نهادهای جامعه دارای درجه بالایی از ثبات و وظیفه هستند و به‌عنوان

ابزارهای مهمی از آنها استفاده می‌شود که می‌توانند تداوم اجتماعی را تضمین کنند. او بر اهمیت جنبه‌های خارجی ماهیت الگوهای نهادینه‌شده، که دارای نقشه قدیمی و سرنوشت‌ساز هستند، تأکید زیادی کرد (هرتزلر، ۱۹۶۱، ص ۸۴). موضوع مهم این واقعیت است که آنها سازمان‌یافته‌اند؛ یعنی پایگاه محکمی دارند، نظام‌مند هستند، دارای اساسنامه‌اند، تأیید شده‌اند و اعمال می‌شوند و از این‌رو، در تمام شرایط مربوط به نوع عمل یا فعالیت‌های جاری، قابل پیش‌بینی و اثربخش هستند.

فریلند و الفورد (Friedland and Alfor) بیان کردند که این دیدگاه در خصوص ساختار اجتماعی، که تقریباً به دست فراموشی سپرده شده است، می‌تواند یک بار دیگر موضوع بحث قرار گیرد و الگوهای جدیدی ارائه دهد. آنها در آغاز بحث خود، بیان داشتند که چنین دیدگاهی از جامعه دربرگیرنده حوزه‌های اندیشه متفاوت در جامعه، شامل سیستم‌های اعتقادی متفاوت می‌شود. از این‌رو، آنها انواع روابط اجتماعی را سودمند و درست دانستند. گذشته از این، آنها بر این نکته تأکید کردند که باید در بحث نهادها، به جنبه محتوایی هم اندیشید. حوزه‌های اندیشه متفاوت در برابر نهادها، در رابطه با نظام‌های اعتقادی گوناگون مطرح است. برای مثال، دیدگاه مادی منطق سرمایه‌داری، بر انباشت ثروت و فعالیت انسانی و تبدیل آن به یک‌قلم کالا مبتنی است. در خصوص حکومت، با استفاده از سلسله‌مراتب سازمانی و قانونی، می‌کوشند برای فعالیت‌های انسانی نظم قابل شوند و آنها را توجیه کنند. در این دیدگاه، خانواده یک جامعه است و موضوع انگیزه مربوط به فعالیت انسانی مطرح می‌شود که فرد نسبت به اعضا و رفاه آنها وفاداری بدون قید و شرط دارد (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۵۰۰).

فریلند و الفورد در نخستین بحث‌هایی خود، فرض مربوط به انسجام نهادها و یکپارچگی هنجاری یا الزامی را (همان فرضی که بیشتر در رابطه با الگوهای کارکردی یا مبتنی بر عمل مطرح می‌شود) مستثنا کردند. آنها بر این باور بودند که بین اجزای نهادها هیچ‌گونه هماهنگی وجود ندارد. گذشته از این، در این باره که در یک جامعه برای انجام چنین فعالیت‌هایی چه اعتقاداتی باید وجود داشته باشد نیز توافق نظر وجود ندارد. هر نوع فعالیتی دارای چندین معناست و هر یک از آنها با توجه به تعریفی که از نهاد خود دارند و با توجه به نوع تقاضا معنا می‌شود. برخی از مهم‌ترین برخوردها بین گروه‌ها، سازمان‌ها و طبقات، درباره نوع رابطه‌ای است که بین نهادها وجود دارد. بر همین اساس، منطق فعالیت‌های هر نهاد دارای نظم می‌شود و خطامشی افرادی را که در این طبقات قرار می‌گیرند، مشخص می‌سازد. آیا بازار و یا دولت باید مقررات مربوط به تأمین مسکن و بهداشت را تدوین نماید؟ آیا کنترل سیستم آموزشی باید در دست خانواده، کلیسا و یا دولت باشد؟ آیا مقررات مربوط به تولید مجدد باید به وسیله دولت، خانواده یا کلیسا تحلیل شود؟ (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۵۰۰).

برای بحث در خصوص این دیدگاه، باید به محتوا توجه بیشتری کرد تا بتوان بدان وسیله، رفتارها و اعتقادات محکم و موجود در حوزه‌های گوناگون یک نهاد را بررسی نمود و برای کامل کردن فعالیت‌های کنونی، که در سطح سازمانی تجزیه و تحلیل می‌شوند، باید اقدام به تجزیه و تحلیل در سطح اجتماعی کرد.

اسکات در جمع‌بندی خود از این چهار الگو، می‌گوید: با توجه به چهار الگوی بحث درباره نظریه «نهاد»، باید این موضوع روشن شده باشد که با وجود درون‌مایه‌ها یا مضمون‌های اصلی، که همواره مطرح‌نظر تحلیلگران قرار

می‌گیرد، در زمان کنونی گونه‌های متعددی از نظریه‌های نهادی در خصوص سازمان‌ها وجود دارد. هنگامی که یک نفر اعلام می‌کند نهادی را ترسیم و تحلیل می‌کند، پرسش بعدی باید بدین گونه مطرح شود: با استفاده از کدام الگو؟ (اسکات، ۱۹۸۷، ص ۵۰۱). در جدول ذیل، خلاصه‌ای از الگوهای چهارگانه نظریه «نهادی» ارائه شده است:

نظریه	نظریه‌پرداز	خلاصه نظریه
تلفیق ارزش‌ها	فیلیپ سلزینگ	انسان می‌تواند دنیایی را به وجود آورد، سپس آن را به‌عنوان چیزی غیر از دستاورد یا محصول انسان، تجربه کند
خلق واقعیت	پیتر برگر	افراد یک تعریف مشترک از واقعیت اجتماعی را می‌پذیرند. مفهومی که اعتبار آن مستقل از دیدگاه‌ها و عملیات شخصی فرد است
یک طبقه از عناصر	مایر و رونان	سازمان‌ها مجموعه‌ای از اعتقادات یا باورهای نهادینه‌شده را می‌پذیرند البته نه بدان سبب که آنها به‌صورت «واقعیت» و یا یک فرض مسلم درآمده‌اند، بلکه بدان سبب که سازمان با چنین اقلیمی به پاداش نیکو دست می‌یابد
یک حوزه متمایز اجتماعی	هیوز	مقصود از «نهاد اجتماعی» یک سیستم نسبتاً پادوام از باورهای اجتماعی و شیوه‌های عمل سازمان‌یافته در جامعه است که در زمینه‌های گوناگون در درون سیستم اجتماعی (مذهب، کار، خانواده و سیاست) انجام می‌شود

جدول ۱: خلاصه الگوهای چهارگانه نظریه نهادی

نکته کنونی در تمام چهار الگوی بیان شده، که می‌تواند نقطه اشتراک همه آنها باشد، عبارت است از: معنا و مفهوم «نهادینه‌سازی» که تقریباً برابری همه آنها عبارت است از ایجاد، تدویم، ماندگاری و تثبیت، حال چه خلق ارزش یا واقعیت باشد و یا طبقه‌ای از عناصر و یا یک حوزه، اجتماعی متمایز.

آنچه به‌عنوان مسئله اصلی این بخش می‌توان از آن نام برد عبارت است از: تبیین معنا و مفهوم «نهادینه‌سازی»، به عبارت دیگر، یکی از مسائل مهمی که باید در مطالعات اسلامی به دنبال پاسخ‌گویی به آن باشیم، در پاسخ به سؤال‌های ذیل نهفته است:

واژگان و یا مفاهیم متناسب با مفهوم نهادینه‌سازی در قرآن چیست؟

با توجه به مفهوم‌شناسی قرآنی، تعریف «نهادینه‌سازی» چیست؟

مفهوم و ماهیت «نهادینه‌سازی» از منظر قرآن

بعد از مشخص شدن ماهیت و مفهوم «نهادینه‌سازی» در ادبیات رایج، بررسی ماهیت و مفهوم آن در ادبیات قرآنی مرحله بعدی از این تحقیق است. برای رسیدن به این هدف، چند گام اساسی برداشته شد که در ذیل، به آنها اشاره می‌شود:

انتخاب کلیدواژه محوری

استفاده از کلیدواژه یکی از متداول‌ترین روش‌ها در مطالعات قرآنی است؛ چنان که پایه و اساس بعضی از روش‌های تحقیق بر همین مبنا قرار داده شده است؛ مانند «روش تحقیق موضوعی در قرآن» که مبنای اصلی آن استفاده از کلیدواژه‌هاست (لسانی‌فشارکی ۱۳۹۳). در این تحقیق، شروع کار بر مبنای همین روش قرار داده شده است.

در این تحقیق، برای مفهوم‌شناسی و معادل‌شناسی مؤلفه‌های اصلی «نهادینه‌سازی» در ادبیات دینی و قرآنی، با توجه به اینکه در ادبیات قرآنی، واژه‌های مترادف با مفهوم «نهادینه‌سازی» یافت نشد، با انجام مصاحبه‌ها و جمع‌آوری نظر خبرگان و مراجعه مداوم به متون، واژه‌های مترادف و هم‌معنا با «نهادینه‌سازی» و گام‌های اصلی آن جمع‌آوری گردید که بعد از عرضه به استادان راهنما و مشاور، ۲۰ واژه (ابداء، استقامت، انتشار، بصیرت، انذار، تأکید، تبشیر، تبلیغ، تثبیت، تدبیر، تذکر، تربیت، تزکیه، تعلیم، تلاوت، جعل، سکینه، شدت، مستقر و یقین) مرتبط با نهادینه‌سازی و گام‌های آن شناسایی شد. با مشورت استادان ۱۰ واژه از آن در قالب پرسش‌نامه (۱) برای پیدا کردن رتبه نزدیکی هر کدام از واژگان به مفهوم «نهادینه‌سازی» انتخاب شد، و مجموع ۲۰ واژه با هم به منظور پیدا کردن جایگاه نسبی هر واژه در فرایند و یا گام‌های آن در پرسش‌نامه (۲) در نظر گرفته شد. از این‌رو، آزمون خبرگی در قالب دو پرسش‌نامه طراحی گردید تا واژه‌های نزدیک به مفهوم «نهادینه‌سازی» و گام‌های اصلی آن مشخص شود. با توجه به تخصصی بودن پرسش‌نامه، در انتخاب خبرگان با وسواس و دقت فراوان، سعی شد آنان دارای ویژگی‌های ذیل باشند:

- همه خبرگان دارای تحصیلات حوزوی در سطوح بالا باشند.
- خبرگان علاوه بر تخصص حوزوی، در یکی از رشته‌های مرتبط، دارای تخصص بالایی باشند. از این‌رو، ۳۵ تن از پاسخ‌گویان در رشته تخصصی خود، دارای مدرک دکترا و یک تن دارای مدرک فوق‌لیسانس بود.
- سعی شد از میان خبرگان افرادی انتخاب شوند که مطالعات قرآنی بیشتری دارند؛ مثلاً، دو تن از خبرگان محترم حافظ کل قرآن بودند.
- دو نفر از خبرگان در میان حوزویان مشهور به اجتهاد هستند (آیه‌الله رجبی و آیه‌الله فیاضی) که از این بزرگواران به‌صورت شفاهی مصاحبه گرفته شد.
- تعدادی از خبرگان محترم در مصاحبه و یا در پرسش‌نامه، پیشنهادهایی ارائه دادند که کمک‌های شایانی به محقق کرد.
- محقق تمام پرسش‌نامه‌ها را به‌صورت حضوری به خبرگان تحویل می‌داد. مزیت این اقدام آن بود که با مشاهده حضوری در بیشتر اوقات، توضیحات ارائه شده به خبرگان عامل ایجاد انگیزه می‌شد و به انتخاب خبرگان بعدی (روش گلوله برفی) به‌صورت هدفمند کمک شایانی می‌کرد. تعداد ۴۰ پرسش‌نامه بین خبرگان توزیع شد که از این تعداد ۳۶ پرسش‌نامه برگشت داده شد. علاوه بر پرسش‌نامه، با تعدادی از خبرگان با توجه به تخصص آنها مصاحبه نیز انجام شد. در جدول ۲ و نمودار ۱ فراوانی خبرگان از حیث تخصص نشان داده شده است.

مدیریت	علوم قرآنی و تفسیر	علوم تربیتی	فلسفه و کلام	جامعه‌شناسی	روان‌شناسی
۲۴	۴	۲	۴	۳	۱

جدول ۲: فراوانی خبرگان از حیث تخصص

نتایج حاصل از پرسش‌نامه ۱ نشانگر آن است که واژه «تثبیت» از نظر خبرگان، بیشترین قرابت را با مفهوم «نهادینه‌سازی» دارد. همچنان که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، شش واژه انتخابی از یک تا شش رتبه‌بندی شدند که در آن ۲۲ تن از خبرگان واژه «تثبیت» را در رتبه یک امتیازبندی نمودند.

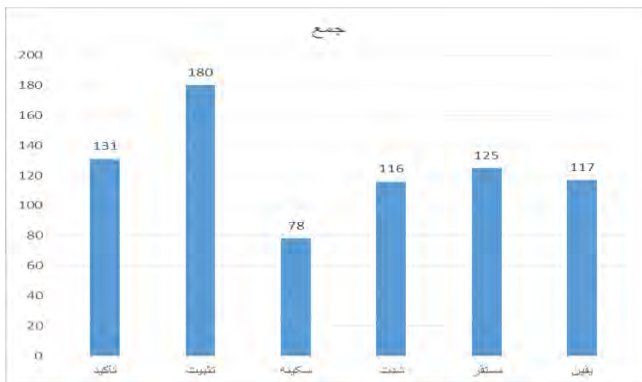
رتبه‌بندی‌های حاصل از پرسشنامه							
جمع	رتبه ۶	رتبه ۵	رتبه ۴	رتبه ۳	رتبه ۲	رتبه ۱	رتبه
							مفاهیم
۳۶	۸	۳	۳	۷	۱۰	۵	تأکید
۳۶	۲	۱	۱	۴	۵	۲۲	تثبیت
۳۶	۱۷	۶	۴	۴	۳	۱	سکینه
۳۶	۸	۳	۹	۶	۹	۱	شدت
۳۶	۸	۳	۷	۴	۱۰	۴	مستقر
۳۶	۹	۷	۱	۶	۵	۷	یقین

جدول ۳: رتبه‌بندی‌های حاصل از پرسش‌نامه

در ادامه، چنان که در جدول ۴ قابل مشاهده است، امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده انجام گردیده که حاصل جمع امتیازات هر کدام از واژگان قابل مشاهده است. برای مثال، واژه تثبیت در مجموع ۱۸۰ امتیاز کسب کرد.

امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده							
جمع	امتیاز ۱	امتیاز ۲	امتیاز ۳	امتیاز ۴	امتیاز ۵	امتیاز ۶	امتیاز
							مفاهیم
۱۳۱	۸	۶	۹	۲۸	۵۰	۳۰	تأکید
۱۸۰	۲	۲	۳	۱۶	۲۵	۱۳۲	تثبیت
۷۸	۱۷	۱۲	۱۲	۱۶	۱۵	۶	سکینه
۱۱۶	۸	۶	۲۷	۲۴	۴۵	۶	شدت
۱۲۵	۸	۶	۲۱	۱۶	۵۰	۲۴	مستقر
۱۱۷	۹	۱۴	۳	۲۴	۲۵	۴۲	یقین
۷۴۷							

جدول ۴: امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده

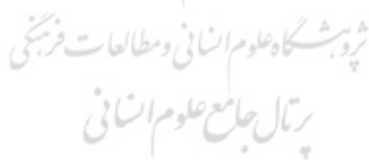


نمونه ۱: نمودار ستونی تجمیع امتیازات

کلیدواژه اصلی یعنی «تثبیت» و تمام ۱۹ کلیدواژه دیگر ۱ و همچنین دیگر کلیدواژه‌های که توسط خبرگان محترم پیشنهاد داده شده بود در قرآن بررسی گردید.

بررسی کلیدواژه محوری

در پایان این مرحله، کلیدواژه «تثبیت» به صورت جداگانه در دو کتاب **تفسیر نمونه** و **فرهنگ قرآن** در «کتابخانه الکترونیک نور» بررسی شد. چنانکه در شکل‌های ۱ و ۲ ملاحظه می‌شود، تعداد کدهای استخراج شده از **فرهنگ قرآن** ۴۰ کد و کدهای استخراج شده از **تفسیر نمونه** ۲۲ نمونه است.



۱. سؤالی در اینجا ممکن است مطرح شود این است که چرا ۱۹ کلیدواژه دیگر نیز در قرآن بررسی گردید؟ به عبارت دیگر، اگر کلیدواژه «تثبیت» به‌عنوان کلیدواژه اصلی انتخاب شده، علت بررسی ۱۹ کلیدواژه دیگر چیست؟ در جواب، باید به دو نکته توجه کرد: اول. از ابتدا فرایندی بودن نهادینه‌سازی مورد تأکید خبرگان قرار گرفته بود، از این رو، کلیدواژه‌های ۱۹ گانه دیگر به‌عنوان مرحله‌ای از فرایند نهادینه‌سازی و یا گام‌های مربوط به هر مرحله قابل استفاده هستند. دوم. کلیدواژه منتخب «تثبیت» به‌صورت جداگانه در دو کتاب **فرهنگ قرآن** و **تفسیر نمونه** بررسی شد. از این رو، دامنه بررسی واژه «تثبیت» بسیار گسترده‌تر از ۱۹ واژه دیگر است؛ چنان که ۶۲ کد از واژه «تثبیت» استخراج شده است.

سازمان: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) افزایش اعتبار کاربر جاری: وحید وثوقی راد خروج

فهرست کتابخانه ها پدیدآورندگان جستجوی پیشرفته

مدیریت نمایه

صفحات ارجاعی از کتاب

34	سبب اودگی انسان بر مسیح و سبب اودگی انسان	صفحات (1)	اصلاح حذف
35	عواملی مانند اتفاق عامل تثبیت نفس انسان	صفحات (3)	اصلاح حذف
36	تثبیت وحی و بقای مفاهیم قرآنی جلوه رحمت خدا بر بند	صفحات (1)	اصلاح حذف
37	استقرار و تثبیت دین وعده الهی به مومنان صالح	صفحات (1)	اصلاح حذف
38	بصیرت عامل تقویت و تثبیت ایمان	صفحات (1)	اصلاح حذف
39	هجرت عامل تثبیت ایمان	صفحات (1)	اصلاح حذف
40	مراد از اتمام نعمت بر آل یعقوب تثبیت دین الهی برا	صفحات (1)	اصلاح حذف
41	40 کد فوق از و واژه تثبیت در 33 جلد	صفحات (0)	اصلاح حذف
42	بالاترین مقام تثبیت عصمت است	صفحات (2)	اصلاح حذف

تعیین نمایه جدید، اصلاح نام یا حذف نمایه در پروژه فعال، از این بجزه امکان است. یا کلیک روی صفحات متناسب به نمایه مورد نظر نمایه می شود.

گدهای استخراج شده

تعداد گدهای مستخرج از فرهنگ قرآن

خروج نمایه جدید

شکل ۱: نمای از گدهای مستخرج از فرهنگ قرآن

سازمان: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) افزایش اعتبار کاربر جاری: وحید وثوقی راد خروج

فهرست کتابخانه ها پدیدآورندگان جستجوی پیشرفته

مدیریت نمایه

از 42 تا 62 مستخرج از تفسیر نمونه

57	تثبیت قلب پیامبر و آیات ناسخ و منسوخ و تربیت و نهادینه سازی برپیت می تواند معاد سازی باشد	صفحات (1)	اصلاح حذف
58	تثبیت قلب پیامبر و آیات ناسخ و منسوخ و تربیت و نهادینه سازی برپیت می تواند معاد سازی باشد	صفحات (1)	اصلاح حذف
59	تفاوت درجات ایمان سازی و تربیت دید	صفحات (1)	اصلاح حذف
60	هدایت مرحله قبل از ناسخ و منسوخ برای مسلم	صفحات (1)	اصلاح حذف
61	از روی و لازم الاجرا بودن تثبیت الهی عامل تثبیت	صفحات (1)	اصلاح حذف
62	فتح مکه عامل تثبیت اسلام	صفحات (1)	اصلاح حذف

تعیین نمایه جدید، اصلاح نام یا حذف نمایه در پروژه فعال، از این بجزه امکان پذیر است. یا کلیک روی صفحات متناسب به نمایه مورد نظر نمایه می شود.

نام نمایه

خروج نمایه جدید

شکل ۲: نمای از گدهای مستخرج از تفسیر نمونه

بارگذاری کدها بر روی نرم‌افزار

تمام ۶۲ کد استخراج شده از دو کتاب *فرهنگ قرآن و تفسیر نمونه* به انضمام کدهای استخراج شده از ۱۹ کلیدواژهٔ دیگر، که در پرسش‌نامه موجودند، همچنین کدها و کلیدواژه‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و پیشنهادهای خبرگان با استفاده از نرم‌افزار «اطلسی تی آی» بر روی متن قرآن شریف بارگذاری شد که مجموع آنها به ۱۷۹ کد رسید؛ چنانکه در شکل ۳ نشان داده شده است. کدهای مذکور با رنگ‌های آبی (مستخرج از مصاحبه و پیشنهاد خبرگان محترم)، صورتی (کدهای استخراج‌شده از *فرهنگ قرآن و تفسیر نمونه*) و قهوه‌ای (کدهای پیشنهادی آیه‌الله فیاضی) مشخص شد تا در ادامه بررسی، بر روی کل قرآن کریم، به‌واسطهٔ پشته‌خانهٔ خبرگی مورد توجه باشد. تمام این کدها برابند نظر خبرگان و رجوع به دو کتاب مزبور است. از این رو، دارای پشته‌خانه‌ای قوی است. می‌توان ادعا کرد که چارچوب اصلی کار نیز بر روی همین ۱۷۹ کدبسته شده و تلاش محقق بر این بوده است که در طول مطالعهٔ قرآن کریم، آنها را در نظر بگیرد.

کدها همراه با رنگ‌های مشخص شده

Name	Founded	Density	Groups
کارگزار، ویژگی، تصور در برابر گفته دشمنان	2	0	[کارگزار و ویژگی‌ها و وظایف]
نشانه ایمان، خشوع	1	0	[نشانه‌های ایمان]
...فرایند؛ مراقبت در تقوی که شرط هدایت یافتن است	2	0	[هدایت] [نشانه ایمان، تقوی، مباحث مربوطه]
فرایند؛ استقامت	21	0	[مراحل، استقامت]
...فرایند؛ تشویق به حرکت در راه هدف، توجه دادن به	1	0	[مکانیسمها و روشهای نهادینه‌سازی] [مراحل انگیزش]
~ عوامل تثبیت آوردن بنیه	1	0	[مکانیسمها و روشهای نهادینه‌سازی] [عوامل تثبیت ایمان] [استقرارات نهادینه سازی]
نتیجه نهادینه شدن ارزشها، راههایی به مسیر رشد	3	0	[نتایج نهادینه سازی الهی]
~ نتیجه؛ کور کر و لال	3	0	[نتایج نهادینه سازی شیطانی]
فرایند تفکر	41	0	[دانشین]
کارگزار، ویژگی، خودسازی	2	0	[وظایف]
نتیجه نهادینه شدن ایمان، رستگاری	3	0	[نتایج نهادینه سازی]
امکان تزلزل ایمان بعد از تثبیت	14	0	[تزلزل]
نتیجه؛ ایمان، ارث بردن بهشت و جاودانگی در آن	5	0	[نتایج نهادینه سازی الهی]
آگاهی، روش، تلاوت، قصص قرآنی	1146	0	[مکانیسمها و روشهای نهادینه‌سازی] [مراحل، آگاهی، بخشی، تلاوت]

تعداد ارجاعات کدها به متن قرآن

Comment: Edited 02/06/1396 09:56 ط ق by Super

کد ۷: استاد غلامرضا عزیزی کیا (تفسیر و علوم قرآنی)

تعداد کدهای مستخرج در این مرحله

179 Filtered Codes Colored Codes

شکل ۳: نمایی از کدهای اولیه و ویژگی‌های آنها در نرم‌افزار «اطلس تی آی»

شروع کدگذاری با مطالعه کل قرآن

در این مرحله، برای انتقان کار و همچنین بنا بر توصیه‌ی استادان محترم، شروع به مطالعه کل قرآن شد، هرچند بنا بر روش تحقیق موضوعی در قرآن، تا همین مرحله محقق می‌توانست به جمع‌بندی و ارائه‌ی الگو بپردازد، اما با مطالعه‌ی انجام شده پیش‌بینی می‌شد که چه‌بسا بسیاری از برداشتها و سیاق‌ها مغفول واقع شود که این امر از پیشنهاد‌های خبرگان محترم کاملاً مشهود بود. از این رو، محقق با استعانت از خداوند تبارک و تعالی، شروع به مطالعه‌ی کل قرآن از اول تا انتها نمود که حاصل این مطالعه، استخراج بیش از ۶۹۷ کد شد که در شکل ۴ نشان داده شده است.

Code Manager

Codes View Search

Code Groups Comments Details Single Column Filter Filter

Layout List Layout Filter

Seq	Search Codes	Grounded	Density	Groups
	عوامل تثبیت ایمان: رضایت از خدا	1	0	[عوامل تثبیت ایمان]
	قرآن کتاب ابلاغ برای همگان	1	0	[ویژگی های محتوا] [اصول حاکم]
	نشانه تثبیت کامل ایمان: تسلیم کامل ولایت	16	0	[نشانه نهادینه شدن ایمان]
	نشانه کافران و منافقان: افسانه داستان آیات الهی	1	0	[نشانه های کفر]
	عوامل استحکام حکومت: دایره‌ی عادلانه	1	0	[عوامل ساختاری]
	نتیجه نهادینه شدن ایمان: رسنگاری	3	0	[نتایج نهادینه سازی الهی]
	عوامل تثبیت ایمان: شکر	14	0	[عوامل تثبیت ایمان]
	عوامل تسهیل کننده: (اولولایب) خوردن خدی	2	0	[تسهیلگر نهادینه سازی الهی]
	نشانه ایمان: عبادت خدا	1	0	[نشانه های ایمان]
	کارگزار: وظیفه: تلاوت قرآن	1	0	[کارگزار و ویژگی ها و وظایف]
	الگوهای هدایت یافته: پیامبران	27	0	[هدایت] [مراحل: معرفی: الگوها]
	...توجه دادن به اینکه بخشی از مجازات گمراه شوند	1	0	[مراحل: آگاهی بخشی: تبیین]
	امکان تزلزل ایمان بعد از تثبیت	14	0	[مراحل: تثبیت] [پیوستار و سطوح نهادینه سازی]
	موانع ایمان: حسد	3	0	[موانع نهادینه سازی الهی]

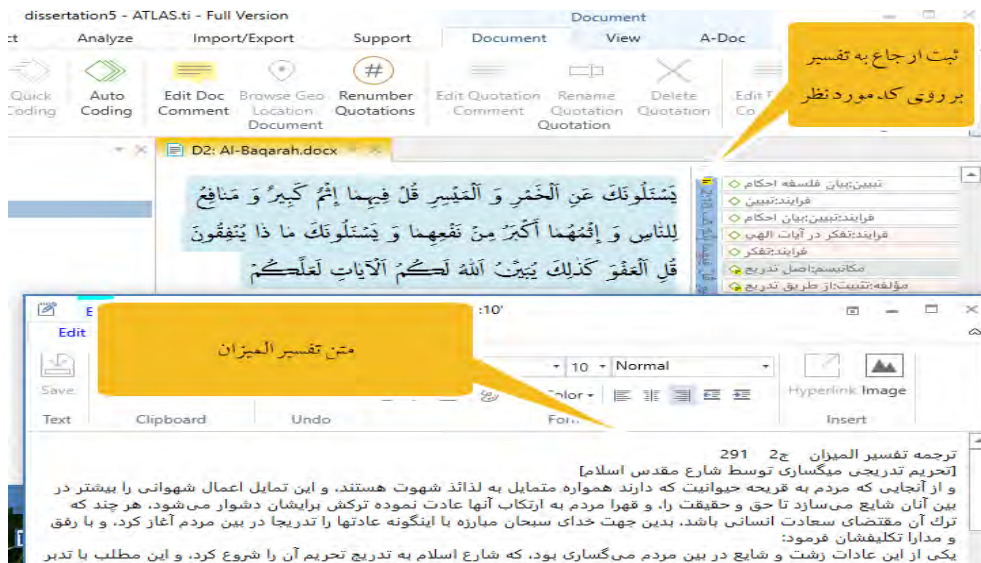
Comment:

تعداد کل کدهای مستخرج از کل قرآن

۶۹۷ Codes

شکل ۴: نمایی از کدهای مستخرج از مطالعه کل قرآن در نرم‌افزار «اطلس تی آی»

ویژگی این بخش از مطالعات در این است که علاوه بر دو کتاب *تفسیر نمونه* و *فرهنگ قرآن* به تفسیر *المیزان* نیز مراجعه شده است که با عنوان «یادداشت‌ها» بر روی رمزها و «کوئیشن‌ها» (کوئیشن: Quotations) نقل قولی است که رمز و یا برداشتی به آن نسبت داده شده است و می‌تواند شامل یک یا چند آیه و یا اسنادی از تفسیر *المیزان*، *تفسیر نمونه*، یا *فرهنگ قرآن* باشد. (نقل قول‌ها) در متن نرم‌افزار مشخص شدند که در شکل ۵ قابل مشاهده است):



شکل ۵: نمایی از چگونگی استفاده از تفسیر برای روی کلمه و کیتشن‌ها

ویژگی‌های ماهیت نهادینه‌سازی از منظر قرآن

برای تبیین مفهوم «نهادینه‌سازی» از منظر قرآن و ارائه تعریفی مشخص از آن، می‌توان از نتایج حاصل از پرسش‌نامه «آزمون خبرگی» به‌عنوان شروع کار استفاده کرد؛ بدین معنا که «نهادینه‌سازی» دارای برخی مؤلفه‌های اصلی است که می‌توان از کنار هم قرار دادن آنها به تعریفی مشخص رسید؛ عبارت‌اند از جمله آنهاست:

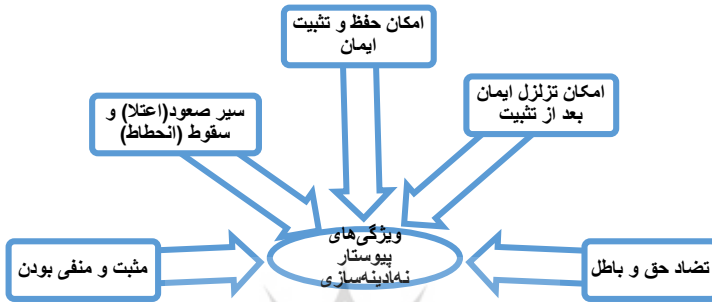
«تثبیت»: مفهوم کلیدی نهادینه‌سازی

فرایندی بودن نهادینه‌سازی؛ نتایج حاصل از پرسش‌نامه دوم آزمون خبره‌ای (مراحل اصلی و گام‌های هر مرحله از نهادینه‌سازی از منظر قرآن) نشانگر این مطلب است که تمام خبرگان بر فرایندی بودن نهادینه‌سازی تأکید دارند (نتایج حاصل از پرسش‌نامه دوم آزمون خبرگی).

پس تا بدینجا، می‌توان گفت: نهادینه‌سازی از منظر قرآن، «فرایندی است برای تثبیت» با پایه قرار دادن این دو مؤلفه اصلی و رجوع به رمزهای استخراج شده از متن قرآن می‌توان مؤلفه‌های دیگر تعریف را استخراج کرد که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود.

نتیجه حاصل از بررسی آیات درباره ماهیت نهادینه‌سازی، بیانگر این مطلب مهم است که نهادینه‌سازی از منظر قرآنی به صورت یک در پیوستار قابل تبیین است. در این پیوستار، همواره برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها، باید به نقطه مقابل آن، یعنی چگونگی عملکرد رقبا و دشمنان برای نهادینه‌سازی ضد ارزش‌ها توجه شود. به عبارت دیگر، نمی‌توان بدون توجه به عملکرد جبهه مقابل، فرایند تثبیت ارزش‌ها را طی نمود. از این‌رو، می‌توان نهادینه‌سازی را در

قالب یک پیوستار در نظر گرفت که یک سمت پیوستار عبارت است از: نهادینه شدن ارزش‌های الهی که در قالب نهادینه شدن «ایمان» قابل تصور است، و یک سمت دیگر این پیوستار می‌تواند نهادینه شدن ارزش‌های شیطانی باشد که در قالب نهادینه شدن «کفر» قابل تصور است. این پیوستار دارای ویژگی‌های برجسته‌ای است که در نمودار ۲ قابل مشاهده است. که در ادامه، به آنها اشاره می‌شود:



نمودار ۲: ویژگی‌های پیوستار نهادینه‌سازی

مثبت و منفی بودن پیوستار

یکی از موضوعاتی که می‌توان به‌عنوان منطبق حاکم بر قرآن از آن نام برد، عبارت است از: بیان تقابل‌ها و تضادها در کنار همدیگر؛ مثل تقابل حق و باطل، و یا مؤمن و کافر، و یا پادشاه‌ها و کيفرها که این منطق درس‌های فراوانی با خود به همراه دارد. حال با توجه به هدف این تحقیق، می‌توان از این موضوعات برای بیان یک فرایند و تحلیل نهادینه‌سازی استفاده کرد. از این رو، می‌توان گفت: همچنان که در نمودار ۳ قابل مشاهده است، نهادینه‌سازی از منظر قرآن می‌تواند دارای بعد منفی و مثبت باشد که در کنار همدیگر قابل تشریح هستند که یک سر آن حرکت در جهت نهادینه شدن ایمان و مستحکم شدن نهاد ایمان است، و سر دیگر آن در جهت نهادینه شدن کفر و محکم‌تر شدن نهاد کفر است. ویژگی منحصر به فرد این نگاه آن است که همه کارگزاران نهادینه‌سازی و افرادی که در فرایند نهادینه‌سازی قرار می‌گیرند، همواره مکلف به انتخاب و رصد جایگاه خود در پیوستار هستند، و سؤال جدی که باید به آن جواب بدهند این است که آیا ما در جهت نهادینه شدن ارزش‌های اسلامی، گام برمی‌داریم یا در جهت نهادینه‌سازی ارزش‌های شیطانی؟ حال با عنایت به این مطلب، می‌توان در دست‌یابی به هدف این تحقیق از آنها کمک گرفت. به عبارت دیگر، اگر ما به اهداف و استلزامات و نتایج نهادینه‌سازی منفی آگاهی داشته باشیم و یا به راه‌هایی که شیاطین برای نهادینه‌سازی از آن استفاده می‌کند آشنایی داشته باشیم، بهتر می‌توانیم برای تحقق نهادینه‌سازی مثبت و الهی گام برداریم.

با بررسی و مطالعه قرآن کریم، قریب ۳۵ نقل قول با ویژگی بیان تقابل گونه حق و باطل، مؤمن و کافر، و یا پادشاه‌ها و کبیرها در کنار همدیگر احصا شد که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. برای مثال، آیات دوم تا هفتم سوره مبارکه بقره ابتدا از ایمان و اثرات نهادینه شدن آن سخن به میان می‌آورد و در ادامه، از کفر و آثار نهادینه شدن آن سخن می‌گوید.

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْزَلْتَهُمْ آيَاتُنَا أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

(پرهیزگاران) کسانی هستند که به غیب [=آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند؛ و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. و آنان که به آنچه بر تو نازل شده و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده ایمان می‌آورند و به رستاخیز یقین دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشان اند؛ و آنان رستگارند. کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوتی نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده، و بر چشم‌هایشان پرده‌ای افکنده شده، و عذاب بزرگی در انتظار آنهاست.

و یا در آیه ۶۷ سوره مبارکه نساء، در این مقایسه، جایگاه افراد مؤمن و کافر در جبهه الهی و طاغوتی مشخص می‌شود:

«الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الْأَصَاغُوتِ قَاتَلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»؛

کسانی که ایمان دارند در راه خدا پیکار می‌کنند و آنها که کافرند در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان پیکار کنید (و از آنها نهراسید)؛ زیرا نقشه شیطان (همانند قدرتش) ضعیف است.

سیر صعود (اعتلا) و سقوط (انحطاط) در پیوستار

در پیوستار نهادینه‌سازی از منظر قرآن، بعد مثبت آن را می‌توان در سه مرتبه «دیانت» (مسلمین، مؤمنین و محسنین) در نظر گرفت که سیر صعودی دارد. آخرین مرتبه نهادینه شدن ارزش‌ها در معصومان است که مخصوص بندگان خاص خداوند است. این مرتبه از تثبیت ارزش‌ها عنایتی است از جانب خداوند نسبت به بندگان خاص خود «وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَا لَقَدْ كِدْتُمْ تَرْكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا» (الإسراء: ۷۴) برخی مفسران معتقدند: مقصود از «تثبیت»، عصمت افاضه شده از جانب خداوند است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۷۳).

کارگزاران نهادینه‌سازی همچنان که در نمودار ۳ مشهود است، در سه مرتبه اول سعی می‌کنند با تثبیت الزامات مربوط به آن مرحله، مقدمات ارتقای سطح دیانت به مراتب بالاتر را فراهم سازند و همچنین سعی می‌نمایند مخاطبان غیرمسلمان را به درجات بالاتر هدایت نمایند تا وارد سیر صعودی شده، مراتب را تا رسیدن به قرب الهی ادامه دهند. در مقابل نیز سیر سقوطی پیوستار قرار دارد که شیاطین انس و جن (کارگزاران نهادینه‌سازی کفر) در تلاش هستند با رخنه در مراتب ایمان مخاطبان، آنها را به درجات پایین‌تر برده و به سوی انحطاط و کفر و نابودی بکشانند، که این افراد همچنان که در نمودار ۳ مشهود است، در دو گروه «ضالین» و «مغضوب علیهم» قابل تقسیم هستند.

امکان حفظ و تثبیت ایمان تا آخر عمر

یکی از ویژگی‌های پیوستار نهادینه‌سازی از منظر قرآن، امکان تثبیت و نگاه‌داری آن در طولانی مدت است. از منظر قرآن، امکان حفظ و تثبیت ارزش‌ها تا آخر عمر وجود دارد. در قرآن به این نکته اشاره شده است که پیوسته به یاد خدا بودن و خداترسی عامل ماندن در اسلام تا هنگام مرگ است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۰۲).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن گونه که حق تقوا و پرهیزگاری است، از خدا بپرهیزید! و از دنیا نروید مگر اینکه مسلمان باشید! باید گوهر ایمان را تا پایان عمر حفظ کنید.

امکان تزلزل ایمان بعد از تثبیت

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که در پیوستار نهادینه‌سازی از منظر قرآن قابل تبیین است، امکان تزلزل بعد از تثبیت است که آیات ذیل به آن اشاره دارد: (۱۴ نقل قول)

«رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» (آل عمران: ۸)؛

(راسخان در علم، می‌گویند): پروردگاره دل‌هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای!

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَطْيَعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ» (آل عمران: ۱۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق‌افکنی و شعله‌ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی‌گردانند.

تضاد حق و باطل در پیوستار

چنانکه در پیوستار نهادینه‌سازی بیان شده، سمت مثبت پیوستار حرکت به سمت نهادینه شدن ایمان است، و سمت منفی آن حرکت به سمت نهادینه شدن کفر. از این‌رو، شناسایی منشأ و خاستگاه اصلی ایمان و کفر یکی از نکات کلیدی و مهم است که قرآن کریم در آیات ذیل، ریشه ایمان را تبعیت از حق، و ریشه کفر را تبعیت از باطل بیان می‌دارد، که این دو در تضاد کامل هستند و قابل جمع نیستند:

«ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ» (محمد: ۳)؛ این به خاطر آن است که کافران از باطل پی‌روی کردند و مؤمنان از حقی که از سوی پروردگارشان بود تبعیت نمودند این‌گونه خلوند برای مردم مثل‌های (زندگی) آنان را بیان می‌کند!

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِمْ تَتُودُونَ وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (صف: ۵)؛

به یاد آورید هنگامی را که موسی به قومش گفت: ای قوم من؛ چرا مرا آزار می‌دهید، با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به‌سوی شما هستم؟! هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا فاسقان را هدایت نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

با در کنار هم قرار دادن مباحث مطرح شده در این مقاله، می‌توان «نهادینه‌سازی» را از منظر قرآن این‌گونه تعریف کرد: «نهادینه‌سازی از منظر قرآن، فرایندی است پیوستارگونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد. جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان، و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند».

یکی از نتایج این تحقیق تفاوت مفهوم «نهادینه‌سازی» در نگاه قرآن و یافته‌های علمی است. در ادبیات غرب، مفهوم «نهادینه‌سازی» اشاره به فرایندی دارد که کارگزاران از آن برای تثبیت و تعمیق ارزش‌های منظور خودشان اقدام می‌کنند. اما از نگاه قرآن، فرایند «نهادینه‌سازی» در یک پیوستار مشاهده می‌شود و دارای بعد مثبت و منفی است. به‌عبارت‌دیگر، از منظر قرآن، کارگزاران نهادینه‌سازی باید همواره به این نکته اساسی توجه داشته باشند که در کدام سمت پیوستار حرکت می‌کنند. در پیوستار نهادینه‌سازی از منظر قرآن، بعد مثبت آن را می‌توان در سه مرتبه دینان (مسلمین، مؤمنین و محسنین) در نظر گرفت که سیر صعودی دارد و کارگزاران نهادینه‌سازی - همچنان که در الگو قابل مشاهده است - در سه مرتبه اول سعی می‌کنند با تثبیت الزامات مربوط به آن (اجزای اصلی فرهنگ مطلوب اسلامی) مقدمات ارتقای سطح دینان به مراتب بالاتر را فراهم کنند و همچنین سعی می‌کنند مخاطبان غیرمسلمان را به درجات بالاتر هدایت کنند تا وارد سیر صعودی شده، و مراتب را تا رسیدن به قرب الهی ادامه دهند. در مقابل نیز سیر سقوطی پیوستار قرار دارد که شیاطین انس و جن (کارگزاران نهادینه‌سازی کفر) در تلاش هستند با رخنه در مراتب ایمان مخاطبان، آنها را به درجات پایین‌تر برده، به‌سوی انحطاط و کفر و نابودی بکشانند.

منابع

- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۵، سی و ششمین سالگرد ارتحال علامه طباطبایی، چهاردهمین همایش اساتید تفسیر حوزه قم، دارالقرآن علامه طباطبایی.
- طباطبایی محمدحسین، ۱۳۹۰، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- کعبی، عباس، ۱۳۸۹، گفت‌وگو با آیت‌الله کعبی در مبانی فلسفی علوم انسانی، گفت‌وگوها. قم، دبیرخانه همایش مبانی فلسفی علوم انسانی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. ☞
- لسانی‌فشارکی محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۳، *روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- Barnard, C. I. 1938. *The Functions of the Executive*. Harvard University Press.
- Berger, P. L. & T. Luckmann. 1991. *The Social Construction of Reality: A Treatise in the Sociology of Knowledge*. Penguin Adult.
- Hertzler, J. O. 1961. *American social institutions: a sociological analysis*. Allyn and Bacon.
- Hughes, E. C. 1939. *Institutions*. In *An Outline of the Principles of Sociology*, ed. R. E. Park, 283-346.: New York: Barnes & Noble.
- Meyer, J. W. & B. Rowan (1977) *Institutionalized Organizations: Formal Structure as Myth and Ceremony*. *American Journal of Sociology*, 83, 340-363.
- Meyer, J. W. & W. R. Scott. 1983. *Organizational environments: ritual and rationality*. Sage.
- Perrow, C. 1986. *Complex Organizations: A Critical Essay*. McGraw-Hill Companies, Incorporated.
- Scott, W. R. 1987 *The Adolescence of Institutional Theory*. *Administrative Science Quarterly*, 32, 493-511.
- (2009) *The Adolescence of Institutional Theory*. In *Theories of Organization*, ed. H. L. Tosi, 215-232. SAGE Publications.
- Selznick, P. 1949. *TVA and the grass roots; a study in the sociology of formal organization*. Berkeley,: Univ. of California Press.
- Selznick, P. 1957. *Leadership in Administration a Sociological Interpretation*.
- Wuthnow, R. 1984. *Cultural analysis: the work of Peter L. Berger, Mary Douglas, Michel Foucault, and Jürgen Habermas*. Routledge & Kegan Paul.
- Zucker, L. G. 1977 *The Role of Institutionalization in Cultural Persistence*. *American Sociological Review*, 42, 726-743.
- Zucker, L. G. 1983 *Organizations as institutions*. *Research in the Sociology of Organizations*, 2, 1-47.